

ارزیابی دانش‌آموزان



وقتی بچه‌ها به معلم‌های خود نمره می‌دهند

نصرت‌الله دادار

عکاس: اعظم لاریجانی

فرزندان خود بدانند. معلم فیزیک دبیرستان ما یکی از بهترین معلم‌هاست. این اغراق نیست. این حسی است که معلم فیزیک ما در من ایجاد کرده است. معلم فیزیک ما با مهربانی و ملامت به ما موخت و باعث شد من به این درس علاقه‌مند شوم».

زینت رضایی، یکی دیگر از دانش‌آموزان سال دوم ریاضی این مدرسه نیز می‌گوید: «معلم باید به این نکته توجه داشته باشد که فضای کلاسش خشک و بی‌روح نباشد. دانش‌آموزان کلاس خشک و بی‌روح را دوست ندارند. معلم‌ها باید بکوشند حتی بخشی از کلاس خود را صرف شادی و خنده کنند تا شوق و اشتیاق و انگیزه دانش‌آموزان برای آموختن در آن کلاس درس بیشتر شود».

نقش معلم در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان بسیار مهم است

یکی از نکاتی که دانش‌آموزان در این گفت‌وگو به آن اشاره می‌کردند، این است که رفتار و شخصیت معلم‌ها در کنار روش تدریس آن‌ها در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به فراگیری هر علمی مؤثر است. شیمیا اسماعیل‌زاده، دانش‌آموز سال دوم ریاضی در این باره می‌گوید: «من پارسال در مدرسه دیگری درس می‌خواندم و امسال به این مدرسه آمده‌ام. سال گذشته از درس شیمی واقعا بدم می‌آمد. چون معلم ما سر کلاس از مسائل بی‌ارتباط با درس حرف می‌زد و صرفاً یک توضیح مختصر درباره درس می‌داد و

هستند که ضروری است معلم به آن‌ها توجه داشته باشد. متأسفانه برخی از معلمان با کم‌توجهی به این مسائل، موجب کاهش درصد موفقیت خود در کلاس درس می‌شوند. بسیار اتفاق افتاده است که معلم آگاه و عمیق با درک صحیح و به‌موقع همین نکاتی که مورد توجه جدی دانش‌آموزان است، نتوانسته است توجه تعداد زیادی از دانش‌آموزان را به درسی که علاقه نداشتند، جلب کند و موجب رشد تحصیلی آن‌ها شود؛ در صورتی که عده‌ای از معلمان نتوانسته‌اند چنین نقشی را در کلاس درس خود ایفا کنند. به‌منظور آگاهی بیشتر

از دیدگاه‌ها و نظرات دانش‌آموزان درباره معلمان و نکات مورد توجهشان در کلاس درس، سری به دبیرستان دخترانه علی‌اکبر صبور در منطقه هفت زده‌ایم و از نزدیک با تعدادی از دانش‌آموزان این مدرسه به‌گفت‌و‌گوشته‌ایم. به‌بچه‌ها توضیح می‌دهیم که آمده‌ایم دیدگاه‌های آن‌ها را درباره معلم‌هایشان بشنویم و آن‌ها با ما سخن می‌گویند.

معلم باید با دانش‌آموزان ارتباط مناسب برقرار کند

النا داودپور، دانش‌آموز سال دوم ریاضی، می‌گوید: «از نظر من، معلم خوب معلمی است که بتواند با دانش‌آموزان ارتباط مناسب برقرار کند و آن‌ها را مثل

ارزیابی دانش‌آموزان از کلاس درس شما چیست؟ آیا از کلاس شما لذت می‌برند یا برعکس، برای پایان آن لحظه‌شماری می‌کنند؟ نظرشان درباره رفتار و منش شما چیست؟ درباره روش تدریستان چه می‌گویند؟ ارتباط شما با دانش‌آموزان در چه حدودی است؟ چقدر توانست‌اید بچه‌ها را نسبت به درسی که تدریس می‌کنید، علاقه‌مند سازید؟ آیا از سؤال کردن بچه‌ها لذت می‌برید یا...؟ با بچه‌ها چقدر جدی و چقدر مهربان هستید؟ آیا تاکنون دانش‌آموزان را سر کلاس تحقیر کرده‌اید؟ به‌طور کلی، چقدر با دانش‌آموزانتان مشورت می‌کنید؟ آیا در تعیین زمان امتحان، نظر آن‌ها را اجویا می‌شوید؟ واقعیت این است که سؤال‌های بالا حاوی نکاتی



خانم خراسانی در ادامه تأکید می‌کند: «معلم‌ها هر حسی که داشته باشند، آن را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند. بنابراین، اگر حس خوبی داشته باشند، بچه‌ها را نسبت به خود و درسشان علاقه‌مند می‌سازند و اگر حس خوبی نداشته باشند، بچه‌ها را از خود و درس خود زده می‌کنند. من معلمی به‌نام خانم سقایی دارم که خیلی خوب است. به‌همین دلیل او و درسش را خیلی دوست دارم. من در رشته تجربی که ایشان درس‌های اختصاصی آن را تدریس می‌کنند، ادامه تحصیل خواهیم داد».

معلم خوب دانش‌آموزان را ضایع نمی‌کند
سارا عشیری، دانش‌آموز این مدرسه، با بیان این عبارت که «سر نماز از ته دل برای معلم‌م دعا می‌کنم» می‌گوید: «من معلم‌م را مثل مادرم دوست دارم. معلم نقش مهمی در سرنوشت دانش‌آموزان دارد. اما گاهی اوقات ما با معلمانی روبه‌رو می‌شویم که متأسفانه با دانش‌آموزان برخورد مناسبی ندارند. معلم خوب هیچ دانش‌آموزی را سر کلاس ضایع نمی‌کند. اگر دانش‌آموزی درسش را به هر دلیل نخوانده باشد، نباید جلوی دیگران توهین یا مسخره شود. شما خودتان را جای دانش‌آموزان بگذارید. آیا با توهین و تمسخر جلوی دیگران درس خوان می‌شوید؟ اتفاقاً اگر دانش‌آموزی درس نمی‌خواند، معلم باید بفهمد مشکل او چیست و برای آن چاره‌ای بیابد. دادن نمره کم به دانش‌آموزی که درس نخوانده است، خودش بزرگ‌ترین تنبیه قانونی است که در آموزش و پرورش پیش‌بینی شده است. معلم نباید با روش‌های دیگری که نه قانونی و نه انسانی هستند، دانش‌آموزان را تنبیه کند».

معلم نباید در یک روز چند امتحان برگزار کند
 یکی از گلایه‌هایی که دانش‌آموزان از معلمان دارند این است که برخی اوقات، معلمان در یک روز چند امتحان برای دانش‌آموزان می‌گذارند و دانش‌آموزان نمی‌توانند خودشان را برای همه این امتحان‌ها آماده کنند. در نتیجه نمرات امتحانی آن‌ها کم می‌شود. این موضوع ناراحتی آن‌ها و خانواده‌هایشان را در پی دارد.

متأسفانه برخی از معلم‌ها خیلی بی‌تفاوت در جواب می‌گویند که درس خواندن در هر شرایطی وظیفه دانش‌آموز است و ما را درک نمی‌کنند. گاهی اوقات هم از معلم‌ها می‌خواهیم به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که چند امتحان در یک روز برگزار نشود، ولی آن‌ها توجه نمی‌کنند و می‌گویند این مشکل شماست».

معلم باید جدی اما مهربان باشد

انسیه فدایی، دانش‌آموز دیگر این مدرسه، اعتقاد دارد معلم ایده‌آل، جدی ولی مهربان است. جدیت برای اینکه کلاس را خوب اداره کند تا بچه‌ها از رفتار او سوء استفاده نکنند و مهربان برای اینکه دانش‌آموزان را جذب کند. وی می‌گوید: «معلم باید بتواند با دانش‌آموزان ارتباط خوبی برقرار کند تا فضای کافی برای رشد استعدادها و دانش‌آموزان به‌وجود آید. اگر معلم نتوانست از یک راه برای جذب دانش‌آموزی استفاده کند، باید راه و روش‌های دیگری پیدا کند. من نمی‌خواهم بگویم معلم همه وقت خود را صرف دانش‌آموز کند، اما او می‌تواند مثلاً یک وبلاگ برای درس خود ایجاد کند تا دانش‌آموزان بتوانند از آن طریق با وی ارتباط برقرار کنند و اگر مشکل درسی هم دارند، مطرح کنند».

وظیفه برخی معلم‌ها سنگین‌تر است

عده‌ای از دانش‌آموزان معتقدند که وظیفه برخی از معلم‌ها، مانند معلم‌های درس‌های سخت، سنگین‌تر است.

زهرا خراسانی، یکی از دانش‌آموزانی است که این دیدگاه را دارد. او می‌گوید: «معلم‌ان درس‌های سختی مانند زبان، ریاضی، فیزیک، عربی و ... در مقابل یادگیری دانش‌آموزان مسئولیت سنگین‌تری دارند. آن‌ها باید صبر و حوصله و احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند و رفتارشان با دانش‌آموزان خیلی خوب باشد».

وی می‌افزاید: «تعداد معلمان خوب کم نیست، اما متأسفانه معلمانی که بد درس می‌دهند و باعث می‌شوند ما از درسشان هیچ نفهمیم و بد اخلاق هستیم هم تعدادشان کم نیست».

جلسه بعد با جدیت درس جلسه قبل را می‌پرسید. یک‌بار ایشان از من درس را پرسید و من بلد نبودم. علاوه بر اینکه نمره پایین به من داد، چنان با بی‌ادبی و خشونت سر من داد زد که یادم نمی‌آید تاکنون کسی این‌گونه با من حرف زده باشد. به‌همین دلیل، من از درس شیمی هم که او تدریس می‌کرد زده شدم. امسال که مدرسه‌ام را عوض کرده‌ام و به این مدرسه آمده‌ام، به درس شیمی علاقه‌مند شده‌ام، چون معلم شیمی ما خیلی خوب تدریس می‌کند و رفتار مناسبی با بچه‌ها دارد. من تازه امسال فهمیدم که درس شیمی چقدر شیرین است».

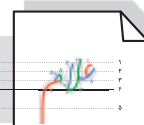
معلم نباید از سؤال عصبانی شود

فرزانه‌سادات اسماعیلی حسینی، یکی دیگر از دانش‌آموزان مدرسه علی‌اکبر صوری، معتقد است که نقش معلمان در آینده دانش‌آموزان بسیار مهم است. بنابراین معلمان باید از بهترین روش‌های اثرگذار برای آموزش و پرورش بچه‌ها استفاده کنند. او می‌گوید: «معلم خوب معلمی است که با چند بار سؤال کردن دانش‌آموزان عصبانی نشود و از کوره در نرود».

مریم اصغری صحت، از دیگر دانش‌آموزان این مدرسه، در تأیید صحبت‌های هم‌کلاسی‌اش می‌گوید: «گاهی اوقات ممکن است ما مطلبی را از یاد برده باشیم. معلم باید در این‌گونه مواقع، به ما فرصت یادآوری بدهد و با توهین یا تمسخر، غرور ما را جلوی بچه‌ها خدشه‌دار نکند و باعث ترس ما از سؤال کردن دوباره از معلم نشود».

درک کردن دانش‌آموزان در شرایط سخت یکی دیگر از مسائلی است که دانش‌آموزان از معلمان خود انتظار دارند.

اندیشه خانه‌پور در این‌باره می‌گوید: «معلم باید در شرایط سخت دانش‌آموزان را درک کند». وی می‌افزاید: «بعضی اوقات برای ما مشکلی پیش می‌آید که مانع درس خواندنمان می‌شود. در این مواقع، ما مشکل خود را با معلم‌هایمان در میان می‌گذاریم و علت درس نخواندن خود را به آن‌ها می‌گوییم، اما





دانش‌آموزان از معلمان انتظار دارند با یکدیگر هماهنگ عمل کنند تا در یک روز یک امتحان بیشتر برگزار نشود.

نسترن شرقی، فرشته سلطانی، شادی سرافزار و فاطمه علائین از دانش‌آموزانی هستند که از برگزاری چند امتحان در یک روز گله‌مندند. آن‌ها می‌گویند: «وقتی چند معلم امتحانات خود را در یک روز برگزار می‌کنند، مانمی‌توانیم برای همه آن‌ها آماده‌شویم. وقتی نتیجه امتحانات ما خوب نمی‌شود، اعتماد به نفسمان کم می‌شود». این دانش‌آموزان در ادامه می‌افزایند: «معلم‌ها باید روابط خوبی با دانش‌آموزان برقرار کنند. ما معتقدیم، دبیری که اخلاق و رابطه خوبی با بچه‌ها نداشته باشد، نمی‌تواند معلم موفق باشد. چون نه تنها دانش‌آموز بلکه هر انسانی از آدم بد اخلاق دوری می‌کند. در مدرسه ما معلمانی مانند معلمان فیزیکی و شیمی که با بچه‌ها رفتار خوبی دارند، آن‌ها را به درس علاقه‌مند کرده‌اند، اما رفتار غلط برخی دیگر از معلمان باعث شده است که بچه‌ها از درس آن‌ها زده شوند».

سارا لاله پور هم یکی دیگر از دانش‌آموزانی است که از برگزاری چند امتحان در یک روز گله‌مند است. او معتقد است معلمان باید در انجام برنامه‌هایشان در مدرسه با هم هماهنگی داشته باشند. وی می‌گوید: «برگزاری چند امتحان در یک روز، کار دانش‌آموزان را سنگین می‌کند. وقتی هم به معلم می‌گوییم با همدیگر هماهنگی داشته باشید، می‌گویند ما مستقل هستیم و شما باید به همه امتحانات پاسخ دهید. در صورتی که اگر هدف آن‌ها رشد دانش‌آموزان باشد، نباید نسبت به مسائل ما بی‌تفاوت باشند».

معلم باید از مسائل زندگی مثال بزند

یکی دیگر از نکاتی که دانش‌آموزان از معلمان خود انتظار دارند، ملموس کردن مطالب درسی است. **لیلیا ایشاریم**، دانش‌آموز سال سوم مدرسه، علی‌اکبر صبوری، می‌گوید: «دانش‌آموزان مطالب ملموس مانند مسائل زندگی را زودتر یاد می‌گیرند. معلمان باید هنگام تدریس از مسائل زندگی مثال

بزنند. ما چند معلم داریم که همین کار را می‌کنند. به همین دلیل ما درس‌های آن‌ها را بهتر یاد می‌گیریم».

وی می‌افزاید: «نکته دیگر این است که معلم‌ها باید کاری کنند که دانش‌آموزان بتوانند راحت‌تر سؤال کنند و بچه‌ها از سؤال کردن نترسند. ما معلم‌هایی داشته‌ایم که برای رشدمان کوشش‌ها و تلاش‌های زیادی می‌کردند. حتی از وقت‌های غیر کلاسی برای تدریس استفاده می‌کردند یا برای ما صبحانه تهیه می‌کردند و به همه سؤال‌های ما پاسخ می‌دادند».

خوش رفتاری و ایجاد علاقه به مطالعه مهم‌ترین رسالت معلم است

آرزو فاضلی، دانش‌آموز مدرسه علی‌اکبر صبوری، معتقد است: «مهم‌ترین رسالت معلمان خوش رفتاری با دانش‌آموزان و ایجاد علاقه به مطالعه و خواندن درس‌ها در آن‌هاست». وی می‌گوید: «در این یازده سال دانش‌آموزی، معلمان زیادی با روش‌های متفاوتی داشته‌ام. برخی بهترین روش‌ها را و برخی بدترین روش‌ها را برای اداره کلاس به کار می‌بردند. اما بنده معتقدم که شخصیت معلمان نقشی بسیار کلیدی در یادگیری بچه‌ها دارد. معلمان موفق کسانی هستند که بچه‌ها از آن‌ها حساب می‌برند. اگر دبیر خیلی مهربان باشد، بچه‌ها از او حساب نمی‌برند و مشخص است که درس او را نمی‌خوانند. البته منظورم از حساب بردن این نیست که بچه‌ها جرئت سؤال کردن نداشته باشند. اتفاقاً معلم باید بتواند اعتماد به نفس بچه‌ها را تقویت کند تا آن‌ها بتوانند سؤال‌های خود را مطرح کنند».

معلم باید اجازه انتقاد از روش تدریسش را به ما بدهد

مهشاد خسرومرادی، یکی دیگر از دانش‌آموزان مدرسه علی‌اکبر صبوری است که از وی درباره انتظاراتش از معلمان سؤال کردیم. او می‌گوید: «بچه که بودیم، به ما می‌گفتند مدرسه خانه دوم و معلم مانند مادر شماس، ولی وقتی هفت ساله شدم و به مدرسه آمدم، درباره آن صحبت‌ها دچار تردید شدم.

چون از معلمانمان در شهر خودمان دل خوشی نداشتیم. آن‌ها نه جدیت کافی داشتند و نه محبت کافی نسبت به بچه‌ها ابراز می‌کردند. اما در این دو سال که به تهران آمده‌ام، ارتباط من با معلمانم بهتر و صمیمی‌تر شده است».

وی می‌افزاید: «معلمان اگر به چند نکته بیشتر توجه کنند، موفقیت خوبی در مدرسه کسب می‌کنند: اول، به دانش‌آموزان اجازه دهند که از روش تدریس آن‌ها انتقاد کنند.

دوم، در مقابل خطاها و ضعف‌های دانش‌آموزان صبور باشند و هیچ دانش‌آموزی را تحقیر نکنند.

سوم، در کلاس گروه‌های درسی تشکیل دهند تا دانش‌آموزان بیشتر با همدیگر ارتباط برقرار کنند».

معلم باید به بچه‌ها اجازه ابراز وجود بدهد

آخرین دانش‌آموزی که با وی به گفت‌وگو نشستیم، **شادی مهابادی** است. او نخست مشکل یکی از دوستانش را در کلاس درس ریاضی این‌طور مطرح می‌کند: «من دوستی دارم که سال‌هاست با هم هستیم. او سال‌ها به درس ریاضی خیلی علاقه داشت، اما یکی دو سالی می‌شود که به‌طور کلی از این درس زده شده است. طوری که این درس را کنار گذاشته است و دیگر نمی‌خواند. از او علت را پرسیدم و او گفت که من دوست داشتم در درس ریاضی، راه‌حل‌های جدیدی برای حل مسئله پیدا کنم و خلاقیت و نوآوری داشته باشم، ولی معلم اجازه این کار را به من نمی‌داد. او به‌جز روش خود، روش‌های دیگر حل مسئله را قبول نمی‌کرد. همین امر موجب شد که من از درس ریاضی زده و حتی متنفر شوم و اعتماد به نفس و علاقه‌ام نسبت به درس ریاضی را از دست بدهم».

مهابادی می‌افزاید: «به نظر من، اگر معلم ریاضی به دوست من اجازه می‌داد که مسئله را به روش دیگری در کلاس درس حل کند و ایشان از این طریق در کلاس درس ابراز وجود می‌کرد، این اتفاق رخ نمی‌داد و ایشان از درس ریاضی زده نمی‌شد. بنابراین، خیلی اوقات ممکن است روش برخورد معلمان موجب شود که دانش‌آموزی نسبت به یک درس علاقه‌مند یا از آن درس زده شود» ■

ارزشیابی پس از آموزش (ارزشیابی تراکمی):

نوع ارزشیابی	نام ارزشیابی	هدف ارزشیابی	زمان ارزشیابی	وسیله اندازه گیری	ماهیت نمونه گیری	تأکید ارزشیابی	سطح سؤالات
پس از آموزش	تراکمی	صدور کارنامه، داوری درباره صلاحیت علمی معلمان	پایان ترم تحصیلی یا نیم سال	آزمون در حد تسلط	نمونه بزرگی از همه هدف های درس	هدف ها و محتوای درس	ساده، متوسط و دشوار

فهرست واریسی انواع سؤالات

شماره	نام یا شماره فصل	سنجش هدف	سطح شناختی مورد نظر	نوع سؤال
۱				تشریحی
۲				چک لیست A
...				چک لیست B
				چک لیست C
				چک لیست D
				چک لیست E
				چندگزینه ای
				جور کردنی
				صحیح - غلط

بله	خیر	اگر جواب خیر است سؤال اصلاح شود
		سؤال با توجه به یک هدف دقیق آموزشی نوشته شده است.
		سطح یادگیری سؤال مشخص است.
		این سؤال برای اندازه گیری هدف های دانش استفاده نشده است.
		صورت سؤال کاملاً واضح و روشن است و به طور دقیق نکاتی که دانش آموزان باید درباره آن ها بحث و بررسی کنند مشخص شده است.
		در صورت سؤال از کلمات چه کسی، چه وقت، کجا و... استفاده نشده است.
		در صورت سؤال از کلمات چرا، چگونه و به چه دلیل استفاده شده است.

بله	خیر	اگر جواب خیر است سؤال اصلاح شود
		سؤال موضوع مهمی را شامل می شود.
		صورت سؤال کاملاً روشن است، به گونه ای که به پاسخ کوتاه، مشخص و معینی نیاز دارد.
		صورت سؤال عیناً از روی مطالب کتاب نقل نشده است.
		اگر پاسخ سؤال عدد است، یکای اندازه گیری و میزان دقت محاسبه مشخص شده است.
		در صورت سؤال، تنها کلمات و عبارات لازم حذف شده اند.
		در سؤال جاهای خالی زیادی منظور نشده است.
		جای خالی تا آنجا که ممکن است در قسمت پایانی سؤال قرار دارد.
		جاهای خالی سؤال ها به یک اندازه قرار گرفته اند.
		تا حد امکان به جای سؤال کامل کردنی، از سؤال پرسشی استفاده شده است.
		در صورت سؤال اشارات دستوری و موارد دیگری که جواب سؤال را مشخص می کنند وجود ندارد.

انواع سؤالات	کوته پاسخ
پرسشی: مرکز استان مازندران کجاست؟	کامل کردنی: انسولین از غده ترشح می شود.
	تشخیصی (تداعی): نماد شیمیایی هر عنصر را در مقابل آن بنویسید. Fe:

آزمون آزما

علی اصغر قهرمانی

یکی از کلمه های جالبی که از صنعت هواپیمایی به علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی وارد شد، کلمه «approach» بود. این کلمه معنای وسیعی دارد. Approach یعنی نزدیک شدن هواپیما به باند و این کاری است که خلبان ها هر روز انجام می دهند. ولی در این کار تکراری هیچ ضمانتی برای انجام موفقیت آمیز وجود ندارد. هر بار نشستن تجربه ای است که با نشستن های قبلی و بعدی متفاوت است. معلم هم هنگامی که می خواهد آزمونی را طراحی کند، به سؤالات آن approach می کند. مبدا این فکر که من چون تجربه دارم پس می توانم بدون دقت و به سرعت آزمونی را طراحی کنم، ما را در دام خود گرفتار کند! خلبان در هر پرواز يك فهرست واریسی (چک لیست) بسیار دقیق دارد که تكتك اجزای کنترل هواپیما را چک می کند. معلم نیز هنگام طرح سؤال باید کنار دستش يك فهرست واریسی داشته باشد تا از اشتباهات سهوی که می تواند از روایی آزمون و اعتبار معلم بکاهد جلوگیری کند؛ خصوصاً در طراحی آزمون ارزشیابی تراکمی که براساس آن برای دانش آموز کارنامه ای صادر و صلاحیت حرفه ای معلم نیز ارزشیابی می شود.

انواع سؤالات - غلط - صحیح
<p>صحیح- غلط: واحد اندازه گیری کار، نیوتن است. (ص - غ)</p> <p>بله - خیر: مجموع زوایای داخلی هر مثلث برابر ۳۶۰ درجه است. (بله - نه)</p> <p>اصلاحی: جذر عدد ۶۴ برابر ۹ است. غلط را مشخص و اصلاح کنید.</p> <p>خوشه‌ای ۱: انسولین:</p> <p>الف) قند خون را پایین می‌آورد. (صحیح- غلط)</p> <p>ب) توسط غده لوزالمعده ترشح می‌شود. (صحیح - غلط)</p> <p>ج) ورزش بیشتر، میزان جذب آن توسط سلول‌ها را افزایش می‌دهد. (صحیح- غلط)</p>

برای اینکه بتوانیم آزمون جامع و نزدیک به استاندارد طراحی کنیم، پیشنهاد می‌شود ابتدا یک فهرست و آرسی برای خودمان تهیه کنیم تا چیزی از قلم نیفتد. جدولی شامل موارد زیر:

۱. تعیین نسبت هر فصل به کل فصل‌ها
۲. تعیین نمره هر بخش براساس بارم‌بندی
۳. تعیین هدف‌های آموزشی رفتاری هر فصل
۴. تعیین حوزه شناختی هدف‌های هر فصل (دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب، ارزشیابی)
۵. انتخاب سؤالات هر فصل براساس بارم، هدف آموزشی و سطح شناختی هر سؤال.
۶. قرار دادن سؤالات انتخاب شده در انواع سؤال (صحیح- غلط، جور کردنی، چندگزینه‌ای، کوتاه پاسخ و تشریحی)

یکی از اصول مهم آزمون‌سازی این است که آن نوع سؤالی را به کار برید که بهتر از بقیه هدف شما را به‌طور مستقیم و مؤثر می‌سنجد ■

بی‌نوشتها
<p>۱. این نوع سؤال در مواردی استفاده می‌شود که یک مفهوم را بخواهیم از چند زاویه بررسی کنیم.</p> <p>۲. آزمون‌های جورکردنی از تعدادی سؤال تشکیل می‌شوند که هر یک از آن‌ها شامل دو ستون است. یک ستون معرف پرسش‌ها و ستون دیگر نشان‌دهنده پاسخ‌هاست. وظیفه دانش‌آموز آن است که پاسخ‌ها را با پرسش‌های مربوط جور کند.</p> <p>۳. هرگاه در میان گزینه‌ها تنها یک زوج گزینه متضاد به‌کار رود که یکی از آن‌ها گزینه درست باشد، احتمالاً دانش‌آموزان انتخاب خود را به همین دو گزینه محدود خواهند کرد، زیرا تصور می‌کنند که ممکن نیست هر دو پاسخ غلط باشند. در این حالت سؤال از حالت چندگزینه‌ای خارج شده و به صحیح- غلط تبدیل می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود از کاربرد متضادها صرف‌نظر شود یا از دو زوج متضاد برای سؤال‌های چهار گزینه‌ای استفاده شود.</p>

چک لیست C	اگر جواب خیر است سؤال اصلاح شود	بله	خیر
	سؤال تا حد امکان مختصر، ساده و روشن است.		
	در سؤال جمله‌ای به کار رفته که درست یا غلط بودن آن برای دانش‌آموزانی که درس را یاد گرفته‌اند، آشکار است.		
	کلماتی چون: همه، بعضی، غالباً، هرگز و... در سؤال به کار نرفته‌اند.		
	تا حد امکان طول سؤالات صحیح و غلط هم‌اندازه است.		
	تعداد سؤال‌های صحیح و غلط تقریباً به یک اندازه است.		
	سؤال عیناً از روی جمله‌های کتاب نوشته نشده است.		
	سؤال به هدف آموزشی مهمی مربوط است و مطالب بی‌اهمیت در آن مطرح نشده‌اند است.		

چک لیست D	اگر جواب خیر است سؤال اصلاح شود	بله	خیر
	پرسش‌ها و پاسخ‌ها متجانس یا همگون انتخاب شده‌اند.		
	طول فهرست‌های پرسش و پاسخ کوتاه انتخاب شده است و مطالب کمتری در هر یک از پاسخ‌ها قرار گرفته است.		
	در راهنمای سؤال، اطلاعات لازم درباره نحوه مقایسه و جور کردن پرسش‌ها و پاسخ‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است.		
	همه پرسش‌ها و پاسخ‌های یک سؤال در یک صفحه قرار دارند.		
	فهرست پاسخ‌ها به‌طور منطقی مرتب شده‌اند.		
	در فهرست پرسش‌های سؤال‌ها از کاربرد جملات نیمه‌تمام خودداری شده است.		
	پرسش‌ها با شماره و پاسخ‌ها با حروف مشخص شده‌اند.		
	هر یک از پاسخ‌ها برای تمام پرسش‌های این سؤال درست جلوه می‌کنند.		
	پرسش‌ها و پاسخ‌ها کاملاً با هم جور نمی‌شوند.		

چک لیست E	اگر جواب خیر است سؤال اصلاح شود	بله	خیر
	سؤال یک موضوع یا یک هدف آموزشی را اندازه می‌گیرد.		
	بیشتر از یک مسئله یا یک مطلب در سؤال قرار ندارد.		
	سؤال کاملاً روشن و واضح نوشته شده است و از عبارات و کلمات قابل فهم برای دانش‌آموزان استفاده شده است.		
	از تکرار مطالب در گزینه‌ها خودداری شده است.		
	مطلب اصلی سؤال به‌طور کامل در تنه سؤال قرار دارد.		
	همه گزینه‌های سؤال متجانس و به موضوع واحدی مربوط هستند. ^۲		
	پاسخ درست، تنها پاسخ درست یا قطعاً درست‌ترین پاسخ است.		
	گزینه‌های انحرافی طوری نوشته شده‌اند که توجه آزمون‌شوندگان بی‌اطلاع از موضوع سؤال را به خود جلب می‌کنند.		
	گزینه‌های سؤال طوری نوشته شده‌اند که از نظر دستوری و جمله‌بندی به نحو درست مکمل متن سؤال هستند.		
	اگر صورت سؤال منفی است، کلمه منفی برجسته یا زیرخطدار شده است.		
	اگر صورت سؤال منفی است، گزینه‌ها منفی نیستند.		
	از عبارتهایی مانند همه آنچه در بالا گفته شد و تمامی موارد فوق استفاده نشده است.		
	از دو گزینه متضاد که یکی از آن‌ها گزینه درست است، استفاده نشده است.		
	طول گزینه درست در چندین سؤال پشت‌سرهم از سایر گزینه‌ها بلندتر یا کوتاه نیست.		
	محل گزینه درست در میان گزینه‌های انحرافی به‌طور تصادفی انتخاب شده است.		
	اگر تنه سؤال جمله ناتمام است، جای خالی در قسمت آخر جمله قرار دارد.		

امتحان

دقت

نکته هایی کاربردی درباره برگزاری امتحان
سعید کفایتی



آن‌ها کند است، زمان خود را بهتر تنظیم می‌کنند. **◀** سفارش‌ها و توصیه‌ها را یک نفر و در زمان معینی به دانش‌آموزان منتقل کند. حد و ظرفیت پذیرش کودکان را در نظر بگیرید. گاهی یک بار مدیر و معاون در حیات مدرسه، بار دیگر ناظم در سالن و بعد هم معلم دانش‌آموزان را نصیحت می‌کنند. از قبل هماهنگ کنید که چه مقدار و چه کسی قرار است صحبت کند. انرژی فکری بچه‌ها را از قبل به اتمام نرسانید.

◀ سؤالات را بلند نخوانید. خواندن غیرضروری سؤالات، نه تنها وقت را می‌گیرد، بلکه دانش‌آموزان را پریشان می‌کند. اگر پرسش‌ها خوانا و صحیح باشد چه ضرورتی دارد یکبار همه آن‌ها را مانند مسلسل به طرف بچه‌ها شلیک کنیم. همان‌طور که گفتیم، سؤالات از ساده به مشکل طراحی می‌شوند و پرسش‌های پیچیده‌تر انتهای سؤالات می‌آیند. زمانی که سؤالی با درجه دشواری زیاد در همان ابتدا می‌آید، بعضی از بچه‌ها دچار دلهره می‌شوند و ممکن است حتی تمرکز خود را برای پاسخ‌گویی به سؤالات نسبتاً ساده نیز از دست بدهند.

◀ تهویه هوا، سرما و گرما را کم‌اهمیت نپندارید. به محل نشستن و آسایش بچه‌ها توجه داشته باشید. البته این به آن معنی نیست که دائماً به آن‌ها نگاه کنید.

شاگردانی که محل نشستن آن‌ها راهروی طبقات و جاهایی مثل آن است، غالباً دچار حواس‌پرتی می‌شوند. رفت و آمد دانش‌آموزان، کادر مدرسه و دیدن بچه‌هایی که زودتر سالن را ترک می‌کنند، از دلایل بروز این مشکل است. حرف زدن آموزگاران با هم، منگنه کردن ورقه‌ها، دنبال چیزی گشتن و عواملی از این دست، محل تمرکز حواس می‌شوند.

◀ قبل یا در حین امتحان به بچه‌های ضعیف کنایه نزنید. کنایه زدن همچون تیر خلاصی است که به سوی دانش‌آموز نشانه می‌رود. از کیف گذاشتن بین بچه‌ها هم حرف نمی‌زنیم، چون دیگر به تاریخ پیوسته است.

◀ قبل از امتحانات رسمی یک یا دو پیش‌آزمون در محل برگزار کنید تا دانش‌آموزان با فضا و شرایط محیط امتحان آشنا شوند. ■

◀ کیفیت چاپ سؤالات را دست‌کم نگیرید. بسیار دیده شده است که در امتحانات، کلمات، عکس‌ها و تصاویر به قدر لازم واضح نبوده‌اند. کم‌رنگی برگه و جا افتادن نقطه، شماره و ... همه را پیش از توزیع بازبینی کنید.

◀ توضیحات ضروری و لازم را روی برگه سؤالات بنویسید. زمان آزمون را با هماهنگی قبلی بالای ورقه یادداشت کنید. تصور نکنید مثلاً چون امتحان ریاضی است، حتماً باید ۷۵ یا ۹۰ دقیقه وقت به آن اختصاص یابد. کم بودن وقت امتحان یا برعکس زیاد بودن آن، هر دو در درس‌ساز هستند. اگر برگه‌های سؤالات شما چند صفحه‌ای (یا بیشتر!) هستند، حتماً شماره صفحات را معلوم کنید. بارها دیده شده است که دانش‌آموز سؤالات پشت صفحه را ندیده است.

رحم و ملاحظه را به قدر صلاح در نظر بگیرید. اگر در کتاب از پنج رود نام برده شده است، از بچه‌ها نخواهید عین پنج تا را بنویسند. مجالی را برای فراموشی در نظر بگیرید.

◀ برای تنظیم برنامه امتحانی، مناسبت‌های ملی و مذهبی (ماه رمضان، ایام محرم و...)، مسابقات، آب و هوا و... را در نظر بگیرید. شروع ساعت امتحان را نه فقط برای راحتی رانندگان سرویس، بلکه از هر جهت ارزیابی کنید. کدام ساعت برای چه پایه‌هایی مناسب است؟

◀ نظم و ترتیب آزمون را با نصب ساعت‌هایی در محل تا حدودی حفظ کنید. بچه‌ها حق دارند از میزان زمان رفته و مقدار باقی‌مانده آگاه باشند.

◀ اعلام زمان پایان آزمون را به دقایق آخر وامگذارید. در کل آزمون، دو سه بار زمان باقی‌مانده را اعلام کنید. به این ترتیب، دانش‌آموزانی که سرعت نوشتن

مغز ما با میانه‌روی ارتباط بسیار خوبی دارد. این بخش بسیار مهم بدن، در مواجهه با مسائل، نباید چندان بی‌تفاوت یا چندان مضطرب شود. اگر در طراحی آزمون‌های مدرسه‌ای، اصل تعادل رعایت شود کارکرد ذهنی و آموزشی دانش‌آموزان بهبود می‌یابد. به این ترتیب، آن‌ها در قبال وظایف خود پاسخگو خواهند بود.

اگرچه در سال‌های اخیر ارزشیابی توصیفی، حداقل در دوره دبستان، نکات خاصی را مدنظر قرار داده است، ولی باید توجه داشت، برگزاری آزمون‌های صحیح و استاندارد، به واحدهای آموزشی اعتبار و به‌اولیای خانه و مدرسه اطلاعات خوبی می‌دهد.

نکاتی که در زیر می‌آید، برای برگزاری امتحان مفید خواهند بود.

◀ طراحی سؤالات آزمون را به کسی بسپارید که به میزان کافی تجربه دارد. این شخص باید دانش‌آموزان مخاطب خود را به خوبی بشناسد. گاهی سؤالاتی در منطقه آموزشی طرح می‌شود که برای مدارس همه مناطق مناسب نیست؛ سؤالات را از ساده به مشکل طراحی کنید.

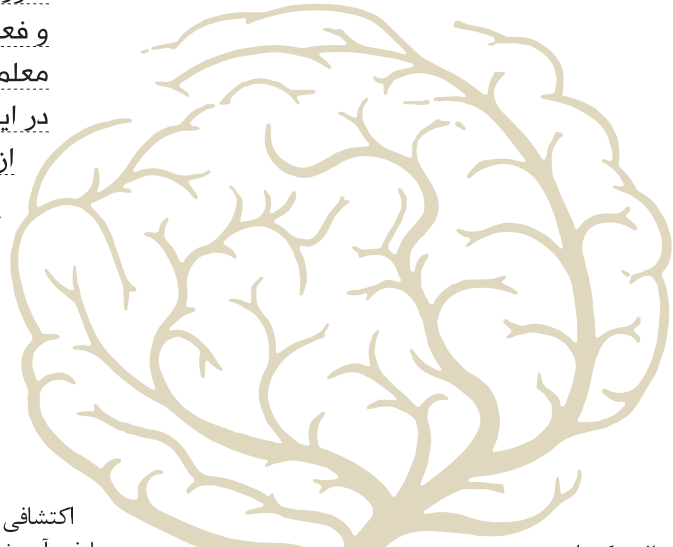
◀ سؤالات را بعد از حروف چینی شدن بررسی کنید. سؤالات معمولاً زمانی کنترل می‌شوند که دیگر کار از کار گذشته است. دقت کنید سؤالات تایپ شده و با فونت‌های معمول باشند. همه کلمات خوانا و به اندازه کافی بزرگ باشند. جای لازم برای پاسخ به هر سؤال در نظر گرفته شود؛ به‌طوری که شاگردان را مجبور به آدرس دادن نکنند؛ ادامه جواب فلان در پشت صفحه فلان. این کار، هم وقت دانش‌آموز را می‌گیرد و هم وقت مصحح محترم را.

یادگیری با لذت کشف

روش‌های یادگیری اکتشافی

زهرا حسنی
فردین یاوری

هر کودکی با یا نهادن به هستی، شروع به یادگیری و مشاهده می‌کند. در این مسیر، از هر چه می‌بیند و می‌شنود و حس می‌کند، سؤال می‌کند؛ کلماتی مانند: چرا، چطور، چگونه، چیست، برای چه و ... را در اکثر جملات به کار می‌برد. ایجاد روحیه پرسش‌گری و گسترش فرهنگ پژوهش، یکی از راه‌های پرورش استعداد و رشد دادن خلاقیت و نوآوری است. در آموزش و پرورش نوین، یادگیری، رویدادی اکتشافی و فعالیتی دو جانبه است که از طریق مشارکت فعال معلم و دانش‌آموز صورت می‌گیرد. در این مقاله، نویسندگان بر آن هستند که به یکی از روش‌های فنون تدریس یعنی «روش یادگیری اکتشافی» بپردازند و ضمن بررسی فایده‌ها و مراحل اجرای آن، محدودیت‌هایش را نیز متذکر شوند. در پایان نیز شیوه‌هایی برای کاربرد بهینه آن در کلاس درس ارائه شده است.



تعریف

یادگیری اکتشافی یکی از روش‌های اساسی یادگیری است که در واقع می‌توان آن را «روش آموزش برای یادگیری اکتشافی» نامید. این روش به‌طور عمده بر فرض‌های نظریه‌سازندگی یا ساختن‌گرایی استوار است که طبق آن یادگیرنده خود کشف‌کننده و سازنده دانش است. بنابراین، می‌توان روش آموزش برای یادگیری اکتشافی را به این صورت تعریف کرد: «رویکردی به آموزش که از طریق آن یادگیرندگان تشویق می‌شوند با محیط خود به تعامل بپردازند؛ یعنی در آن به کاوشگری و دستکاری اشیاء، دست‌وپنجه نرم کردن با سؤالات یا انجام آزمایش اقدام کنند و در نتیجه به فهم یک موضوع برسند (سیف، ۱۳۸۲: ۳۹۷).

یادگیری اکتشافی یکی از روش‌های اساسی یادگیری است که در واقع می‌توان آن را «روش آموزش برای یادگیری اکتشافی» نامید. این روش به‌طور عمده بر فرض‌های نظریه‌سازندگی یا ساختن‌گرایی استوار است که طبق آن یادگیرنده خود کشف‌کننده و سازنده دانش است. بنابراین، می‌توان روش آموزش برای یادگیری اکتشافی را به این صورت تعریف کرد: «رویکردی به آموزش که از طریق آن یادگیرندگان تشویق می‌شوند با محیط خود به تعامل بپردازند؛ یعنی در آن به کاوشگری و دستکاری اشیاء، دست‌وپنجه نرم کردن با سؤالات یا انجام آزمایش اقدام کنند و در نتیجه به فهم یک موضوع برسند (سیف، ۱۳۸۲: ۳۹۷).

فعالیت‌های یادگیری متعددی وجود دارند که معلم می‌تواند از راه واداشتن فراگیرندگان به انجام آن‌ها، هدف‌های یادگیری اکتشافی را تحقق بخشد؛ از جمله انجام آزمایش در آزمایشگاه و تحقیق کتابخانه‌ای. به این ترتیب، آموزش

در روش اکتشافی، فراگیرندگان فعالانه در یادگیری شرکت دارند و این به درک عمیق‌تر و داشتن حافظه بهتر می‌انجامد. فراگیرندگان به این روش، کوشش‌های فکری خود را صرف کشف مفاهیم ملموس از خود می‌کنند و بدین‌سان برای آنچه یادگرفته‌اند ارزش بیشتری قائل می‌شوند (بیلر، ۱۳۶۸: ۲۵۳).

مراحل آموزش برای یادگیری اکتشافی

۱. پیش از آموزش
اگر آموزش اکتشافی بیشتر از روش‌های آموزش مستقیم به طراحی برنامه نیاز نداشته باشد، کمتر از آن‌ها نیز نیازمند این کار نیست. هر قدر طراحی اولیه دقیق‌تر صورت پذیرد، گام‌های بعدی مؤثرتر برداشته می‌شوند. پس ابتدا مراحل طراحی برای یادگیری اکتشافی را توضیح می‌دهیم:
الف) تعیین قصد یا هدف: هدف‌گزینی یکی از اقدامات مهم معلم در انجام هرگونه آموزش است. در آموزش برای یادگیری اکتشافی، لازم است معلم از پیش تعیین کند که می‌خواهد ضمن آموزش، بر کدام مهارت‌های ذهنی و شناختی در یادگیرندگان

فایده‌ها

۱. موضوع درس را قابل فهم‌تر می‌کند.
۲. فراموشی را به حداقل می‌رساند.
۳. پیشرفت فراگیرنده از سطوح ابتدایی دانش به سطوح بالا را ساده‌تر می‌کند.
۴. برای کامل‌ترین شیوه تفکر زمینه‌سازی می‌کند.
۵. به درک شهودی منتهی می‌شود که هم برای فراگیرنده لذت‌بخش است و هم اعتماد به نفسش را افزایش می‌دهد.
۶. نگرش مناسبی نسبت به موضوع درسی معین و یادگیری، به‌طور اعم، ایجاد می‌کند.
۷. انگیزه فراگیرنده را تقویت می‌کند.

خود تأکید کند و قرار است به چه نتایجی برسد. (ب) انتخاب موقعیت مشکل آفرین یا معما برانگیز: منظور از موقعیت معما برانگیز یا مشکل آفرین موقعیتی است که در یادگیرندگان حالت نداشتن تعادل به وجود می‌آورد و به برانگیختن کنجکاوی آنان می‌انجامد. این کنجکاوی در یادگیرندگان، برای پژوهش و یادگیری عامل انگیزشی خواهد بود. بنابراین، معلم در آموزش برای یادگیری اکتشافی لازم است از کاربرد مواد ساده و پیش‌پا افتاده دوری کند و موقعیت‌های نسبتاً پیچیده و معما برانگیز را در پیش روی یادگیرندگان بگذارد. آندرز (۱۹۹۴) در توضیح موقعیت معما برانگیز می‌گوید: «موقعیتی که درباره یک موضوع روابط علت و معلولی را می‌کاود و سؤال‌هایی از قبیل چرا؟ و اگر چنین شود بعد چه خواهد شد؟ را مطرح می‌کند».

آموزش دادن درس

(الف) آماده ساختن یادگیرندگان و توضیح دادن روش‌های اکتشافی: در آغاز آموزش برای یادگیری اکتشافی، معلم باید به یادگیرندگان بگوید که در طول درس چه کارهایی باید انجام دهند. آندرز شیوه‌های مهم آموزش اکتشافی را چنین توضیح داده است:

- معلم به یادگیرندگان بگوید که هدف درس مربوط به یادگیری اکتشافی، کسب اطلاعات تازه نیست، بلکه انجام پژوهش و تفکر مستقل هدف است.

- معلم درباره موقعیت معما برانگیز یا مسئله آفرین از یادگیرندگان سؤال بپرسد. برای این سؤال نباید تنها یک جواب مطلقاً درست وجود داشته باشد و معلم هم نباید در همان آغاز کار جواب سؤال را توضیح دهد.

- ضمن جمع آوری داده‌های مورد نیاز برای پاسخ دادن به سؤال معلم، فراگیرندگان باید تشویق شوند از معلم سؤال بپرسند. معلم باید سؤال‌ها را به بهترین شکل جواب دهد.

پیش از شروع درس بدانید که از فراگیرنده انتظار یاد گرفتن چه چیزی را دارید. به هر حال، باید آن قدر انعطاف داشته باشید که به فراگیرندگان اجازه دهید رویه کم‌وبیش متفاوتی را در پیش گیرند یا فراتر از آنچه تصور کرده‌اید پیش روند. اگر به فراگیرندگان فرصت دهید، احتمالاً متعجب می‌شوید که چقدر می‌توانید از آن‌ها یاد بگیرید. در واقع، این یکی از برتری‌های روش اکتشافی برای یادگیری برنامه‌های است.

(ب) ارائه موقعیت معما برانگیز: در این مرحله از آموزش اکتشافی، معلم موقعیت معما برانگیزی را ایجاد می‌کند. موقعیت مسئله آفرین باید به گونه‌ای باشد که فراگیرنده را به خود جلب کند و حالت نداشتن تعادل شناختی را در او بیفزاید. این کار موجب توفیق یادگیرنده در کسب اطلاعات لازم و رسیدن به جواب مسئله خواهد شد (سیف، ۱۳۸۲: ۴۰۲-۴۰۰).

(ج) جمع‌آوری اطلاعات یا داده‌ها و آزمایشگری: در این مرحله، یادگیرندگان به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ به سؤال یا سؤال‌ها و انجام آزمایش به صورت عینی یا ذهنی می‌پردازند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش از معلم، تفکر، مطالعه و مانند آن امکان‌پذیر است.

(د) فرضیه سازی و توضیح دادن: پس از آنکه یادگیرندگان اطلاعات و داده‌های ضروری را گردآوری کردند و آزمایش‌های ضروری را درباره پدیده مورد نظر انجام دادند، نوبت به ارائه توضیحات و ساختن فرضیه می‌رسد. در این مرحله معلم تمام اندیشه‌های پیشنهادی یادگیرندگان را تشویق و تأیید می‌کند.

نقش معلم در این مرحله از آموزش اکتشافی آن است که برای اندیشه‌های یادگیرندگان احترام قائل شود و تبادل آزاد اندیشه‌ها را در آنان تشویق کند. (ه) تحلیل فرایند اکتشاف: منظور از تحلیل فرایند اکتشاف این است که یادگیرندگان به کمک معلم فعالیت‌هایی را انجام دهند که به تجزیه و تحلیل فرایندهای فکری خودشان بینجامد. برای این منظور، معلم می‌تواند از یادگیرندگان بخواهد به اندیشه خود باز گردند و دریابند که در ضمن تفکر و رسیدن به جواب معما یا مسئله چه مراحل را طی کرده‌اند. از جمله می‌تواند بپرسد: چه زمانی اولین توضیحات روشن به ذهنتان رسید؟ چرا بعضی توضیحات را بر بعضی دیگر ترجیح دادید؟ چرا بعضی توضیحات را کلاً کنار نهادید؟ آیا در جریان درس عقایدتان را تغییر دادید؟ چه چیزی سبب این تغییرات شد؟

۳. اقدامات پس از آموزش

اقدامات پس از آموزش، در روش آموزش برای یادگیری اکتشافی، مانند سایر روش‌های آموزشی، شامل ارزیابی از فعالیت‌های یادگیرندگان و نتایج به دست آمده و دادن نوعی بازخورد به آنان است. به دلیل آنکه در این روش آموزشی هدف کسب دانش و اطلاعات تازه نیست، روش‌های

مرسوم و متداول ارزشیابی، یعنی آزمون‌های کتبی مفید نیستند. به جای این وسایل اندازه‌گیری، بهتر است از آزمون‌های عملکردی و سایر وسایلی که برای سنجش فرایندهای یادگیری مناسب‌ترند استفاده کرد (سیف، ۱۳۸۲).

روش یادگیری اکتشافی فایده‌های بسیار دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. موضوع درس را قابل فهم‌تر می‌کند.
۲. فراموشی را به حداقل می‌رساند.
۳. پیشرفت فراگیرنده را از سطوح ابتدایی دانش به سطوح بالا ساده‌تر می‌کند.
۴. برای کامل‌ترین شیوه تفکر زمینه سازی می‌کند.
۵. برای فراگیرندگان باهوش مناسب‌تر است.

محدودیت روش یادگیری اکتشافی

روش یادگیری اکتشافی با وجود نقاط قوت و فایده‌هایش، ضعف‌هایی نیز دارد؛ از جمله:

۱. معلمی که معمولاً ناتوان است (یعنی حتی یک معلم کارآمد در روزی که ناموفق است) ممکن است نتایج فرعی روش اکتشاف کلاس خود را شگفت‌انگیز بخواند تا ناتوانی خود را ببوشاند.

۲. احتمال این که همه جلسات اکتشاف کارا باشند کم است.

۳. چون داشتن حداقلی از معلومات، شرط اول ارتقا به تعلیم و تربیت عالی‌تر است، غالباً فراگیرندگانی که به روش اکتشاف یاد می‌گیرند، احتمالاً مواردی را نمی‌آموزند که در پذیرش اغلب دانشگاه‌ها پذیرفته شوند.

۴. احتمال بسیار دارد یک یا دو فراگیرنده بخواهند همه اکتشاف خود را منحصر کنند؛ زیرا همه افراد کلاس به ندرت می‌توانند در یک لحظه به بینش برسند و احتمال دارد که این موقعیت، حسادت، رنجش، یا احساس حقارت را که هرگز اکتشافی نکرده‌اند، برانگیزد.

۵. در یک زمان فقط یک نفر می‌تواند صحبت کند. معلم هر شیوه‌ای را هم به کار برد، به ناچار یکی از فراگیرندگان به عنوان سخنران عمل می‌کند و بقیه گروه دست کم به طور موقتی مجبور می‌شوند نقش شنونده را ایفا کنند.

۶. معلمی که از این روش استفاده می‌کند، در موقعیت خود دچار مشکل می‌شود، زیرا باید وانمود کند که خودش نیز موضوع را نمی‌داند، یا به دلیل اکتشاف به طور جمعی، چیزهایی را برای آموختن انتخاب می‌کند که خود هنوز یاد نگرفته است. یا

باید صریحاً بگوید «من می‌دانم، ولی شما خودتان باید آن را پیدا کنید».

۷. هر شورا اعضای جدید خود را از مجموعه‌ای مهارت‌ها، دانش و اعمال اجتماعی و اخلاقی بهره‌مند می‌سازد و اعضای جدید باید وقت خود را برای دوباره کشف کردن گذشته تلف کنند (بیلر، ۱۳۶۷: ۲۵۵-۲۵۳).

پیشنهادها

با وجود محدودیت‌های روش اکتشافی، راه‌های بسیاری برای به کار بردن این روش در کلاس درس وجود دارد. برخی از این پیشنهادها عبارت‌اند از:

۱. ایجاد جوی آرام

برای این که روش اکتشافی مفیدتر واقع شود، فراگیرندگان باید برای بیان نظرهای خود، بدون ترس از تسخیر یا شکست، احساس آزادی کنند. کومز و اسنیک محیط کامل مطلوب یادگیری را محیطی عاری از تهدید توصیف می‌کنند. آن‌ها همچنین خاطر نشان می‌کنند، که برای این که دانش یادگرفته شده در رفتار اثر بگذارد، فرد باید ارتباط دانش با خود را درک کند. و این درک شخصیتی وقتی به بهترین صورت انجام می‌گیرد که محیطی آرام و عاری از شتابزدگی وجود داشته باشد. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که «اشتباه کردن جزو لاینفک یادگیری است. در جایی که اشتباه کردن مجاز نیست، به احتمال زیاد یادگیری کمتر صورت می‌گیرد».

۲. ارائه موضوعی تهییج کننده

با ارائه موضوعی تهییج کننده یاسوالی که گسترش بینش را تشویق کند، به سازمان دادن بحث پردازید. این قسمت، محور روش اکتشافی را تشکیل می‌دهد. نکته اصلی این است که شرایط را به گونه‌ای تنظیم کنیم که به بینش بینجامد. سؤال را می‌توانید طوری طرح کنید که فقط بر یک نکته تأکید داشته باشد و باید بکوشید که فراگیرندگان را در درک چندین مفهوم وابسته به هم تشویق کنید. البته موضوعات با توجه به سطح کلاس و نوع مطلب فرق خواهد کرد. * توجه به شیوه‌های زیر می‌تواند زمینه کسب بینش را برای فراگیرندگان فراهم سازد:

– تأکید بر مقایسه؛ مثلاً آیه ۵ سوره کهف را که نشانگر جن بودن شیطان است، با آیه ۳۴ سوره بقره که ظاهرش فرشته بودن شیطان است، مقایسه کنید.

– تشویق به حدس زدن؛ برای مثال، از شاگردان بخواهید حدس بزنند که چرا در آیه ۵۵ سوره مائده عبارت جمع: «الذین آمنوا» به امیرالمؤمنین (ع) اطلاق شده است؟

– تهییج آگاهی؛ مثلاً از شرکت کنندگان بخواهید آیه ۱۱ سوره نور را تحلیل کنند که چرا در آن، شایعه پراکنی علیه مؤمنان را مایه خیر برای آن‌ها دانسته است؟

– عوض کردن موضوع؛ برای مثال، پس از آنکه شاگردان را متقاعد کردید عبارت جمع «الذین آمنوا» می‌تواند بر یک فرد اطلاق شود، از آن‌ها سؤال کنید که چرا در آن آیه ولایت به معنای «سرپرستی» و نه به معنای «دوستی» به کار رفته است؟

روش یادگیری اکتشافی برای تقویت انگیزه فراگیرندگان در جهت درک مطلوب‌تر مطالب درسی روشی بسیار مؤثر به‌شمار می‌رود؛ هر چند اجرای این روش نیازمند معلمی توانا و با کفایت، فراگیرندگانی آماده و مستعد، و موضوعی مناسب است و این موارد خود نوعی محدودیت برای آن محسوب می‌شود. – معرفی یافته‌های مغشوش کننده؛ مثلاً فیلمی نشان دهید که مفاهیمی را مغایر آنچه فراگیرندگان بدیهی می‌دانند، بیان کند.

۳. نگه داشتن بحث در مسیر اصلی

وقتی بحث جریان دارد، سعی کنید آن را در مسیر اصلی نگه دارید و هر انحرافی را در آن به موضوع اصلی برگردانید. نکات مطرح شده را مورد تحلیل و سؤال قرار دهید. اگر می‌خواهید مثل یک رهبر عمل کنید، باید نظارت هم داشته باشید.

برای مثال، اگر انحرافی در بحث پیش بیاید، معمولاً بهتر است آن را به موضوع اصلی برگردانید. با این حال، گاهی احساس می‌کنید که بهتر است کلاس را به پی‌گیری موضوعی بی‌ارتباط اما مهم تشویق کنید. در هر حال، نظارت شما باید همیشه غیرمستقیم و هوشیارانه باشد تا جو آرام و غیرعجولانه کلاس را حفظ کند.

۴. توجه به اهمیت ساخت دانش در درک سریع روابط جدید

هدف روش اکتشافی این است که فراگیرندگان را وا دارد ادراکات خود را به نحو کم‌وبیش معینی تجدید سازمان کنند تا بتوانند روابط جدید را دریابند. بنابراین، بحث‌های کاملاً بازی که بدون نتیجه ادامه پیدا می‌کند، معمولاً مورد توجه نیست.

این پیشنهاد که شما جلسات اکتشافی را سازمان دهید، مستلزم آن است که پیش از شروع درس بدانید از فراگیرندگان انتظار یادگرفتن چه چیزی را دارید. به هر حال، باید آن قدر انعطاف داشته باشید که به آنان اجازه دهید رویه کم‌وبیش متفاوتی را در پیش گیرند، یا فراتر از آنچه تصور کرده‌اید پیش روند. اگر به فراگیرندگان فرصت ابراز نظر دهید، احتمالاً متعجب می‌شوید که چقدر از آن‌ها می‌توانید یاد بگیرید. در واقع، این یکی از برتری‌های روش اکتشافی بر یادگیری برنامه‌ای است.

۵. استفاده از شیوه‌های تعلیم و تربیت باز

بسیاری از شیوه‌های تعلیم و تربیت باز روش اکتشافی سازگار و موافق است. مضمون‌های تعلیم و تربیت باز که والبرگ و توماس درباره آن شرح داده‌اند، توصیفی کلی از این موضوع به دست می‌دهد: – به دانش‌آموزان اجازه درگیر شدن و فعالیت بدهید. – یادگیری از یکدیگر را تشویق کنید و اجازه دهید مطالب را سامان‌دهی و تنظیم کنند. – از آزمون‌ها برای تشخیص و کمک به یادگیری استفاده کنید. – جوی گرم و مورد قبول در کلاس ایجاد کنید.

۶. توجه به برخی معیارها برای کسب نتیجه مطلوب‌تر

توجه داشته باشید، گرایش‌ها از موضوعات درسی مهم‌ترند، و این که «چه‌طور بیاموزیم» از «چه بیاموزیم» مهم‌تر است (بیلر، ۱۳۶۷: ۲۷۲-۲۵۷).

نتیجه‌گیری

روش یادگیری اکتشافی برای تقویت انگیزه فراگیرندگان به‌منظور درک مطلوب‌تر مطالب درسی روشی بسیار مؤثر به‌شمار می‌رود و هر چند اجرای آن نیازمند معلمانی توانا و با کفایت، فراگیرندگانی آماده و مستعد، و موضوعی مناسب است، و این شرایط خود نوعی محدودیت برای اجرای آن محسوب می‌شود، اما می‌توان با به کارگیری پیشنهادهای ارائه شده در این نوشتار، زمینه استفاده از فایده‌های بسیار این روش را فراهم کرد و محدودیت‌های آن را کمتر ساخت.

منبع

۱. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، آگاه، تهران، ۱۳۸۲.
۲. رابرت فردریک بیلر، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷، ج ۱.



آیا معلمی هم‌ه‌اش خاطره است؟

نکته هایی در باره خاطره نویسی

سیدحسین حسینی نژاد

تصویرگر: پیمان رحیم‌زاده

نداشته باشید. بگذارید
عظمت آن به مرور، آن هم
غیرمستقیم، بر قلم جاری شود. خاطره
را با معرفی خودتان آغاز نکنید.

معلمی هم‌ه‌اش خاطره است

اگر یادتان باشد، برایتان توضیح دادم که چند سال پیش به سفارش ستاد بزرگداشت مقام معلم، مسئول جمع‌آوری خاطرات معلمان استان قم، قزوین و کردستان شدم. یک اتفاق مشترک را در این سه استان شاهد بودم. به معلمان که مراجعه می‌کردم تا خاطره‌ای بنویسند یا تعریف کنند، بسیاری از آنان مدتی به صورت تم نگاه می‌کردند و بعد لبخند می‌زدند که معلمی هم‌ه‌اش خاطره است! چی را تعریف کنیم. عرض می‌کردم اتفاقی، حادثه‌ای، خوشحالی، ناراحتی و...
باز بعد از مدتی می‌گفتند معلمی هم‌ه‌اش خاطره است.

نظر شما برای این پاسخ چیست؟ اگر نتوانیم یا نخواهیم خاطراتی از زندگی معلمی خود بیرون بیاوریم و تعریف کنیم یا بنویسیم، به این پاسخ خنثا و کلی پناه می‌بریم و از جواب درست فرار می‌کنیم. برای حل این مشکل آدمم و زیرمجموعه معلمی را فهرست کردم. بعد از آنان خواستم که درباره هر کدام از موارد این فهرست که مایل هستند یا برایشان یادآور خاطره‌ای است، بنویسند. اینجا بود که جواب گرفتم و حاصل آن شد که کتاب‌های خاطرات را

بگذارید چند روز مطلبتان دم بکشد و بعد آن را با صدای بلند برای خودتان بخوانید تا بهتر و بیشتر به اشکالاتش پی ببرید. اینجا است که نقش و کارایی مغز در ویرایش، خود را نشان می‌دهد.

همچنین، نوشتیم که به شروع نوشته‌تان خیلی اهمیت بدهید. شروع باید قابلی باشد برای اینکه خواننده را با آن شکار کنید. شروع‌های سرد و کم‌رمق خواننده را از نوشته‌های ما دور می‌کند. فرض کنید می‌خواهید خاطره روز اول مهرتان را تعریف کنید که اتفاق خاصی در آن افتاده است. به چند صورت می‌توان شروع کرد:

۱. روز اول مهر یکی از روزهای فراموش نشدنی برای هر معلم است...
۲. وقتی به روز اول مهر سال ۸۲ فکر می‌کنم...
۳. به نظر شما فرق روز اول مهر با روز سی‌ویکم شهریور در چیست؟...
۴. هیچ‌وقت روز اول مهر سال ۸۷ را فراموش نمی‌کنم...
۵. مهر فصل باز شدن مدارس و دوستی‌هاست...
۶. ابلغم را که دادم دست مدیر، نگاهی به آن انداخت و...

با توجه به موضوع خاطره، اولین جمله نوشته‌تان را طوری شروع کنید که خواننده دوست داشته باشد بقیه‌اش را بخواند. هرچه شروع دلنشین‌تر باشد، مطالبی که به دنبالش خواهند آمد همین ویژگی را پیدا خواهند کرد. خاطره‌تان را با موعظه و نصیحت شروع نکنید. قصد بزرگ نشان دادن خاطره‌تان را

خاطرتان هست که در سه شماره گذشته درباره خاطره‌نویسی چه صحبت‌هایی کردیم؟ به ضرورت این کار اشاره کردیم و گفتیم اگر هر معلم سالی یک خاطره بنویسد، موقع بازنشستگی سی خاطره و تجربه ارزشمند خود را از گزند فراموشی نجات داده است. حساب کنید اگر معلمانی که این کار را انجام می‌دهند تعدادشان زیاد باشد، آن وقت بخشی از تاریخ فرهنگ ما از فراموشی حفظ می‌شود. براساس این خاطرات می‌شود داستان‌ها نوشت، فیلم‌ها ساخت و کتاب‌ها نوشت. راستش ما از این جهت خیلی کار نکرده‌ایم. یک‌جوری با خودمان رودریاستی داریم و ارزش خاطرات خودمان را نمی‌دانیم. خب، شروع کنیم تا از این وضعیت بیرون بیاییم. قرار نیست از عالم غیب اتفاقی بیفتد. بهتر است ارزش خاطرات خودمان را بیش از پیش بدانیم.

در یکی دیگر از شماره‌ها نوشتیم که ابتدا با قلبمان بنویسیم و بعد که مدتی، چند روز و چند هفته، از زمان نوشتن گذشت، به مغزمان اجازه دهیم وارد کار شود و هر جا را که نپسندید اصلاح کند. می‌دانید یکی از اشکالات کار ما این است که از لحظه اول که قلم به دست می‌گیریم، مغزمان را درگیر می‌کنیم. آن هم مدام می‌گوید این کلمه خوب نیست، این جمله بد شد، دیگران چه می‌گویند وقتی این نوشته را می‌خوانند و از این بهانه‌ها. در نتیجه، از خیر نوشتن می‌گذریم. برای همین نویسندگان بزرگ توصیه می‌کنند موقع نوشتن با قلبتان بنویسید و به مغز اجازه ورود هم‌زمان ندهید.

تجربه‌های معلمان استان‌های کردستان و قزوین تدوین شد و وزارت آموزش و پرورش آن را منتشر کرد. شاید شما نیز علاقه‌مند باشید با این فهرست آشنا شوید! شاید بخواهید دست به قلم شوید و خاطره‌ای برای رشد معلم بفرستید! این هم بخشی از آن فهرست. امید که خاطره‌ای از شما به دستمان برسد.

۱. اولین روزی که وارد کلاس درس شدم...
۲. اولین حقوق ماهیانه‌ام...
۳. اولین مدرسه‌ای که وارد آن شدم...
۴. هیچ‌گاه این حادثه را فراموش نمی‌کنم. آن روز در راه مدرسه بودم که...
۵. یادش به‌خیر اردوی خیلی خوبی رفتیم...
۶. یکی از روزهای معلم بود که...
۷. می‌دانید چه شد که سر از آموزش و پرورش در آوردم...
۸. چهره این دانش‌آموز هیچ‌گاه از یادم نمی‌رود، چون...
۹. رفتار یکی از مدیرانم را نمی‌توانم فراموش کنم...
۱۰. مدارسی که تاکنون در آن‌ها درس داده‌ام...
۱۱. این همکاران را همیشه به یاد دارم، چون...
۱۲. اتفاقی که آن روز در سرویس افتاد...
۱۳. یک روز که از مدرسه غیبت کردم...
۱۴. سر جلسه امتحان بودیم که...
۱۵. یادش به‌خیر سرایدار مدرسه...
۱۶. درسی که از دانش‌آموزم به نام ... گرفتم...
۱۷. یک‌بار درس فردا را آماده نکرده بودم و...
۱۸. همیشه گوشه‌گیر بودم...
۱۹. یک‌سره او را از کلاس می‌انداختندش بیرون...
۲۰. وقتی در آزمون ... قبول شد...
۲۱. راستش حقوقم کفاف زندگی‌ام را نمی‌داد...
۲۲. وقتی تشویق شدم...
۲۳. حق من بود که تشویق شوم
۲۴.

مجله رشد معلم خاطرات و تجربه‌های ارزشمند شما را به مرور در شماره‌های آینده منتشر خواهد کرد. اکنون هم فهرست آماده است و هم باقی قضا. دیگر نمی‌شود گفت که معلمی همه‌اش خاطره است. دست به کار شوید و یکی از این خاطرات را قلمی کنید. بگذارید دیگران درباره نوشته شما قضاوت کنند. فکر نکنید نوشته‌هایتان کم‌ارزش است. هر نوشته و هر تجربه ارزش خود را دارد.

در پایان دو خاطره را با هم می‌خوانیم. دقت کنید آیا شروع خوبی دارند؟ آیا به اندازه کافی دم کشیده‌اند؟ آیا نویسندگان محترمشان دست‌انداختن نوشته را برطرف کرده‌اند. راستی، چه تعداد کلمه می‌شود از این نوشته‌ها حذف کرد، بی‌آنکه خللی در منظور ایجاد شود. چقدر تکرار در نوشته‌ها وجود دارد؟ کلمه تکراری، جمله تکراری، مفهوم تکراری؟ یادمان باشد وقتی چند روز بعد از نوشتن از نوشته‌مان به سراغ

آن برویم، می‌توانیم این ضعف‌ها را از آن دور کنیم. منتظر نوشته‌های شما هستیم.

بالاخره رفت

نگار ایمانی‌پور

آموزگار کلاس پنجم مدرسه صبا اصفهان

چند سال پیش مدیر یک مدرسه غیرانتفاعی بودم با جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر. با خلق و خوی دانش‌آموزی تا حدود زیادی آشنا بودم. بین بچه‌های کلاس دوم دانش‌آموزی داشتم که هر روز با مادرش به مدرسه می‌آمد و مادرش تا آخر وقت در مدرسه می‌ماند. چون اولین سالی بود که در آن مدرسه بودم، شناخت کافی روی بچه‌های آن مدرسه نداشتم.

برایم تعجب‌آور بود که این مادر هر روز از صبح تا ظهر در مدرسه می‌ماند، زنگ‌های تفریح دخترش را به گوشه‌ای می‌برد و خودش تغذیه‌اش را در دهانش می‌گذاشت و موقع دستشویی از سرویس بهداشتی همکاران استفاده می‌کرد. این مادر همواره دستکش به دست داشت و ماسک به صورت.

کنجکاو شدم. از معاون مدرسه علت را پرسیدم. معلوم شد دانش‌آموز معصوم مبتلا به سرطان است. خیلی ناراحت شدم.

در روزهای بعد سعی کردم خودم را بیشتر به او نزدیک کنم و به اصطلاح با او دوست شوم. بسیار کمرو و خجالتی بود و کمتر گرم می‌گرفت. در هفته یکی دو جلسه هم به‌خاطر شیمی درمانی غایب می‌شد. کم‌موهایش هم ریخت. برای پنهان کردن موضوع، هد بندی زیر مقنعه‌اش می‌زد. هر روز که او را می‌دیدم از ته قلب برایش شفا می‌خواستم.

چند وقتی گذشت. حال دختر بهتر شده بود، با دیگران بیشتر حرف می‌زد و حتی در زنگ‌های تفریح با آن‌ها بازی می‌کرد. وقتی لبخند مادرش را می‌دیدم که این حال دخترش را که می‌بیند، خوشحال است، من هم از ته قلب خوشحال می‌شدم. یک روز اتفاق جالبی افتاد. بعد از اینکه زنگ تفریح خورد و بچه‌ها به حیاط رفتند، دیدم دخترک روبه‌روی آینه قدی راهرو ایستاده، مقنعه‌اش را برداشته است و با شانه کوچکی که در دست دارد، اندک مویی را که بر سرش روییده است، شانه می‌کند. از این موضوع خیلی ذوق زده شده بود.

چند وقتی به‌همین منوال گذشت و حال دختر خوب بود. مرتب هم به مدرسه می‌آمد، تا اینکه چند روز پشت‌سرهم غیبت کرد. به خانه‌شان زنگ زدم، کسی جواب نداد. شماره دیگری هم از او نداشتم. چند روز بعد، مادرش به مدرسه آمد و گفت حال دخترش بسیار بد شده است. دیگر به شیمی‌درمانی جواب نمی‌دهد و مدتی است که در بیمارستان بستری شده است.

بسیار ناراحت شدم. فردای آن روز در مدرسه دعای توسل برگزار و برایش دعا کردیم، ولی از آنجا که خدا دیگر نمی‌خواست مریض کوچولوی مدرسه ما بیش از این زجر و ناراحتی بکشد، او را از ما گرفت. وقتی خبر فوتش را شنیدم، مات و مبهوت ماندم. حتی قطره اشکی هم نریختم. فقط بغض بزرگی گلویم را می‌فشرده و منتظر انفجار بود. صحنه روزی که کودکانه روبه‌روی آینه ایستاده بود و موهایش را نگاه می‌کرد و از آن‌ها لذت می‌برد، از جلوی چشمانم محو نمی‌شد.

این تلخ‌ترین خاطره دوره کاری‌ام تاکنون بوده است. امیدوارم این‌گونه خاطرات تکرار نشوند.

روحش شاد

حیف از آن هدیه!

مجید رضازاده

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی شهرستان بابل

روزهای اول مدرسه بود. دانش‌آموز درس خوانی به‌نظر نمی‌رسید. وضع مالی خوبی هم نداشتم. بعد از چند روز غیبت، با کیسه‌ای پلاستیکی در دست، سر کلاس حاضر شد.

– محمدی، کجا بودی، این چیه؟

– آقا معلم اجازه، مسافرت بودیم.

– کجا تشریف داشتید؟!

– مشهد. این‌ها برای شماست، بفرمایید.

کیسه پلاستیکی‌اش را روی میز گذاشت. آن را باز کردم، یک تسبیح و یک روان‌نویس داخلش بود. روی روان‌نویس حکاکی شده بود: «تقدیم به معلم عزیزم». شعری هم برایم نوشته بود.

– برو بنشین، نمی‌توانستید ایام تعطیل بروید مسافرت تا از درس عقب نیفتی؟!

راستش، هم خوشم آمد از اینکه به فکرم بوده و هم ناراحت شدم، زیرا از وضعیت بد مالی‌شان تاحدودی اطلاع داشتم.

این ماجرا گذشت و روزها سپری شد همان‌طور که حدس می‌زدم، درس و تکالیف او اصلاً رضایت‌بخش نبود. ما معمولاً دانش‌آموزان تنبل را می‌فرستادیم دفتر، یا برای والدینشان نامه می‌نوشتیم و خواهان حضورشان در مدرسه می‌شدیم. اما هر زمان که می‌خواستیم این دانش‌آموز را توبیخ کنیم، به یاد هدیه‌اش می‌افتادم، به‌نوعی احساس شرمندگی می‌کردم و از او می‌گذشتم. اگر زمانی هم توبیخ می‌شد، از چشمانش می‌خواندم که: «حیف از هدیه‌ای که به تو دادم!»

این اتفاق همیشه برایم جالب بود. یک هدیه کوچک چقدر می‌تواند رفتار ما را تحت تأثیر قرار دهد!